

مقاله پژوهشی

نقش اسطوره‌ای-کارکردی چشمه‌علی دامغان در طول تاریخ

سیدامیر منصوری^{۱*}، فرنوش مخلص^۲

۱. استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دکتری منظر شهری، دانشگاه پاریس ۸، فرانسه و پژوهشکده نظر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

چکیده | مطلوبیت فضای مصنوع و تقدس و زیبایی آن در ایران وابسته به حضور سه عنصر آب، درخت، کوه یا چارتاقی است. اهمیت این سه‌گانه در هویت‌بخشی و معناداری به فضاهای ایرانی، مکان‌های مختلف آیینی، شهر و روستا و یا ابنیه معماری را تعیین کرده است. این پیوند عاملی در خلق مکان به‌عنوان نقطه شروع یک مفهوم، منبع حیات و هدف کاوش یک اجتماع در خلق رویدادهای دیگر است. درک معنا در یک مکان طبیعت‌مینا، برآمده از محرک و وجوه عینی است. در این فرایند فضا با عناصر آن شناسایی می‌شود و زمینه را برای بروز معنا در مکان فراهم می‌کند. چشمه‌علی دامغان از نمونه‌های کهن سه‌گانه فضایی ایرانی است که مفاهیم غنی از اعتقادات و باورهای مردم را در وجوهی عینی، هویت بخشیده است. مفاهیم آیینی و قدسی چشمه‌علی دامغان، در نقش رسانه بیان ارزش معنا، با عواملی چون رویدادها، آیین‌ها، رفتارهای اجتماعی و آرایش فضایی، عمل می‌کند و حدود ارزشی و معنایی در مکان را تعیین خواهد کرد. معنای مورد بحث در این مکان به تولید مکانی مفهومی اشاره دارد که توسط افراد به‌عنوان یک نتیجه طبیعی از تعامل متقابل با محیط ساخته شده آنها به‌وجود آمده است. هدف اصلی از حفاظت مفاهیم سه‌گانه قدسی در این مکان، تلاش برای حفظ و تداوم یک رابطه مبتنی بر تجربه بین افراد و محیط آنهاست که از طریق آن مفهوم معنا پدیدار می‌شود. این مطالعه در پی پاسخ به این سؤال است که دلیل اهمیت و قداست مکان چشمه‌علی دامغان در طول تاریخ چه بوده است؟ و امروز نقش معنایی این مکان با چه مفهومی خوانش می‌شود؟

جهت خوانش نظام معنایی چشمه‌علی دامغان در طول تاریخ، روایت‌های مختلف این مکان در منابع متعدد تاریخی مطالعه شد. نشانه‌ها و مفاهیم چشمه‌علی، علاوه بر مصداق‌های فیزیکی و کارکردی، در تعاریف و روایت‌های اسطوره‌ای جهانگردان و جغرافی‌نویسان نیز بررسی شد. در راستای تکمیل و خوانایی مفاهیم این مکان، در دو دسته ارزش‌های بصری و کالبدی و ارزش‌های اسطوره‌ای، اهمیت چشمه‌علی از حیث معنایی و تاریخی تفسیر و توضیح داده شد.

واژگان کلیدی | چشمه‌علی دامغان، سه‌گانه فضایی ایرانی، ارزش‌های بصری، ارزش‌های معنایی و اسطوره‌ای.

مقدمه | تولید فضا امری فرهنگی است که در هر تمدن و دوره، بسته به ساختار اندیشه حاکم و ویژگی‌های فرهنگی عصر، صورتی مخصوص پیدا می‌کند. تمدن‌هایی که از سابقه طولانی برخوردارند، ویژگی‌های ثابتی در معماری و تولید فضا به‌وجود می‌آورند که در انطباق با شرایط زمان و مکان، جوهر

معماری آن تمدن را در پیوستگی و انسجامی قابل تشخیص شکل می‌دهد (منصوری و جوادی، ۱۳۹۷). نظرات گوناگونی پیرامون ماهیت فضا وجود دارد و صاحب‌نظران، گونه‌های فضایی را به اشکال مختلف و گاه متضاد تفسیر کرده‌اند. در این نگرش آیین‌ها و اعتقادات معنوی جوامع، رکن اصلی در شکل‌گیری فضای زیستی بوده است.

تفسیر روایات تاریخی از دوره قبل از اسلام تا زمان حاضر، به بررسی و تفسیر عوامل مؤثر در خوانش منظر معنایی چشمه‌علی دامغان پرداخته شد. چشمه‌علی دامغان میراثی از یک مکان فرهنگی-زیستی، مجموعه‌ای از مصادیق و عناصر معنایی در دو وجه عملکردی و اسطوره‌ای است که در رابطه‌ای تعاملی و معنایی در طول تاریخ کهن آن تفسیر شده، و در ارتباطی تعاملی با عناصر طبیعی، آیین‌ها و باورها، معنای سیستمی به نام قدسیت چشمه‌علی را ساخته‌اند.

مکانیابی دامغان، انضمام راه و آب

ایالت قومس (کومس یا کومش)، در دامنه جبال البرز و در سرزمینی کم‌پهنا بین کوه‌های البرز در شمال و کویر لوت در جنوب محصور است و شاهراه بزرگ خراسان که از ری در اقلیم جبال می‌آید و به نیشابور در خراسان منتهی می‌گردد و از سرتاسر ایالت قومس می‌گذرد، کرسی ایالت قومس «دامغان» بوده است (لسترینج، ۱۳۹۳). بی‌تردید راه‌ها و طرق ارتباطی، در ایجاد و شکل‌گیری دامغان و شهرهای دیگر قومس در حاشیه مرکزی، سهمی ارزنده داشته است. دامغان در خط سیر و حد فاصل بزرگراهی است که از ادوار باستان، شریان عمده تجارت و انتقال بود و به‌عنوان یگانه معبر طبیعی و مناسب اغلب مهاجرات، اردوکنشی‌ها و عبور و مرور کاروان‌ها و جهانگردان به‌شمار می‌رفت. اهمیت خاص سیاسی-اقتصادی این جاده اصلی غربی-شرقی که در دوران ساسانی شاخه‌ای از جاده معروف ابریشم بود، بعد از اسلام نیز ادامه یافت (جعفرپور و همکاران، ۱۳۶۸، ۲۲). دامغان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است و از گذشته تا به حال دارای اهمیت خاصی بوده است. در دوران رونق خود، به خصوص قبل از اسلام، مهم‌ترین شهر در مسیر جاده اصلی ابریشم بود و در پر رونق‌ترین دوره این جاده، یعنی زمان پارتیان، پایتخت مرکزی اشکانیان به‌شمار می‌رفت (کیانی، ۱۳۶۸). باید گفت به سبب همین ثروت و شهرت از حیث سیاسی و جغرافیایی مکانی استراتژیک به‌شمار می‌آمده است و در دوره‌هایی مورد هجوم واقع شده و دچار مصیبت و ویرانی‌های عظیمی شدند. طبق روایت یغمایی (۱۳۲۶، ۱۲) در روایات سیاسی، قدیمی‌ترین داستان مربوط به کشته‌شدن دایوش سوم در این منطقه است و کتاب «تاریخ طبری» (طبری، ۱۳۵۲) نیز از غلبه لشکر اسلام در سال ۲۲ هجرت روایت می‌کند (طبری، ۱۳۹۱).

در میان منابع مختلف که به تفسیر ارزش مکانی چشمه‌علی پرداخته‌اند، روایت‌های پراکنده و مشابهی از تفسیر اهمیت و ارزش منبع آب دشت دامغان که از دل کوه می‌جوشد، وجود دارد. مسلم است که دامغان، به لحاظ آب و کشت و زرع، در موقعیتی بسیار مناسب‌تر از سمنان قرار داشته و انبار غله این حدود، بوده است. در بررسی‌های «کاترین ترینکوس» در دشت دامغان، بدین مسئله اشاره شده که این دشت در تمام طول

مکان، بخشی از فضا با معنای درون آن است. وقتی فضا برای فردی معنا پیدا می‌کند، تبدیل به مکان می‌شود (Tuan, 2001) و مکان‌ها «منبع مهم هویت مشترک اجتماعی و فردی هستند؛ مراکز وجودی انسان که افراد با آنها پیوندهای عاطفی و روانی قوی دارند» (Relph, 1976, 141). مکان‌ها، مراکزی هستند که در آنها اجتماع، رویدادهای معنادار را تجربه می‌کند، که پایه‌هایی برای هویت‌بخشی و خوانش جوهر فضا در طول زمان است. پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که با معنای مجسم می‌شود و نمی‌توان آن را از وجود و تجربیات انسانی منزوی کرد. به این معنا که افراد خود را از نزدیک با مکان‌هایی که تجربه می‌کنند مرتبط می‌کنند. از این‌رو، این پیوند باعث می‌شود، مکان به‌عنوان نقطه شروع یک مفهوم، منبع حیات و هدف کاوش یک اجتماع در خلق رویدادهای دیگر باشد. عناصر طبیعی، عامل ادراک مکان در ذهن انسان بوده و کانون اصلی مکان‌های آیینی، معماری و شهرسازی را شکل داده است. در ایران این عناصر طبیعی در سه عنصر آب، درخت، کوه و یا چارتاقتی در رابطه‌ای تعاملی و در ارتباط با هم تفسیر می‌شوند. این سه گانه طبیعی، در یک نظام معنادار، ساختارهای بنیادی را در مکان‌های ایرانی مشخص می‌کند و در زندگی انسان با نمادهای مختلف تداوم حیات دارد.

درک معنا در چشمه‌علی دامغان به‌عنوان یک مکان طبیعت‌منا، در گام اول برآمده از آب در نقش محرک و وجوه عینی است. در این فرایند ابتدا فضا با عناصر آن شناسایی می‌شود و زمینه را برای بروز معنا در مراحل بعد فراهم می‌کند. سپس تفسیرشناختی از عناصر تشکیل‌دهنده مکان، توسط اجتماع مخاطب آن صورت می‌گیرد. در نهایت، رویدادهای فرهنگی، احساسات، ویژگی‌های اجتماعی، مراسم و آیین‌ها و معانی اسطوره‌ای و روایات افسانه‌ای وارد صحنه می‌شوند و وجه کارکردی عنصر طبیعی را به وجهی نمادین در ارتباط با اجتماع ارتقا می‌دهد. در نتیجه ما معنای این مکان را با شناسایی، درک و سپس ارزیابی عناصر تشکیل‌دهنده آن بر اساس انطباق رویدادهای حاکم در آن، که همگی سیستم تداعی معنا را تشکیل می‌دهند، درک می‌کنیم. بنابراین در راستای خوانش نظام معنادار مکان چشمه‌علی لازم است ابتدا به روایتی تاریخی از نقش آب در ساختار تمدنی منطقه دامغان و اهمیت این منطقه پرداخت. سپس با تفسیری از روایت‌های تاریخی حول وجه عملکردی، ارزش‌های کالبدی و بصری در منطقه و وجه اسطوره‌ای و معنایی چشمه‌علی، بتوان به چرایی و چگونگی اهمیت این مکان و وجه اصیل معنایی آن در فرهنگ ایرانی و نقش آن در بنیان ساختاری منطقه دامغان پاسخ داد.

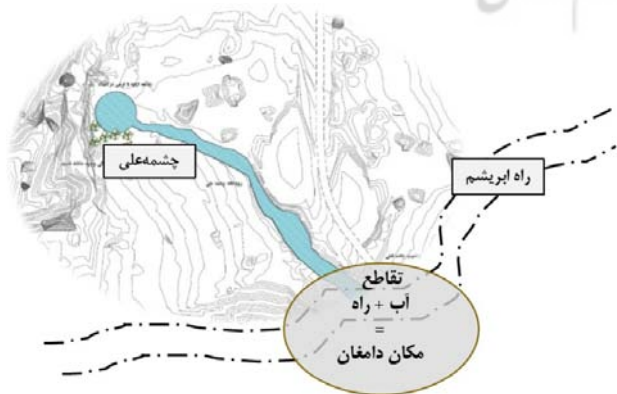
روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی بر اساس مطالعه منابع تاریخی در مکان چشمه‌علی واقع در منطقه دامغان است. در

دامغان نام برده شده است. در پاره‌های دیگر از منابع تاریخی به رویدادهای طبیعی، سیاسی و موقعیت سوق‌الجیشی دامغان در مسیر راه ارتباطی آن با سایر بلاد سخن گفته شده است (بغمایی، ۱۳۲۶؛ مقدسی، ۱۳۸۵؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ و قبادیانی، ۱۳۴۰). انطباق میان ساختار ارتباطی راه و روابط حاکم بر آن در دامغان با زیرساخت آبی این منطقه نشان می‌دهد که میان این ساختارها ارتباط دوسویه برقرار بوده و پیوند چندوجهی (عینی و ذهنی) میان آنها در طول تاریخ عاملی بر تداوم هویتی این زیرساخت‌ها در تعریف مکان تمدنی دامغان بوده است. بنابراین بر اساس روایات تاریخی از ویژگی‌های مکانی و موقعیت سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی دامغان، پیدایش این شهر تابع دو عامل مهم بوده است: «راه» و «آب». در مکانی که آب با راه تقاطع یافته، شهر ساخته و توسعه پیدا کرده است. راه ابریشم، عامل مهم اقتصادی، ارتباطی و سیاسی در این مکان است و آب عامل حیات‌بخش و تداوم زندگی در آن می‌باشد. بنابراین اولویت تشکیل این زیستگاه قرارگیری در مسیر ارتباطی بوده و آب عامل تداوم حیات و هویت‌بخشی آن به شمار می‌آید (تصویر ۱).

ارزش حیاتی چشمه‌علی دامغان

تشکیل یک تمدن ممکن است مجموعه‌ای از زیرساخت‌های مختلف باشد. اما مهمترین زیرساخت و اساس شکل‌گیری در تداوم تمدن‌ها وجود آب است. این امر در دامغان اهمیت فراوان داشته و عاملی بر تعریف و رونق اقتصاد، سیاسی، فرهنگی و آیین‌های دامغان می‌باشد. روایت‌های تاریخی مختلفی از آب منطقه دامغان که از دل کوه می‌جوشد وجود دارد. اما از آن جهت که خطاب چشمه به نام «چشمه‌علی» از دوره اسلام به بعد بوده است، در منابع تاریخی به همین اسم مطالب کمی یافت می‌شود و از این چشمه با اسامی دیگری، تعبیر مختلفی وجود دارد. در مورد چشمه‌علی دامغان نمی‌توان تاریخی قطعی ارائه داد. وجود سد ساسانی در نزدیک چشمه حکایت از قدمت آن دارد. تپه‌حصار



تصویر ۱. براساس اسناد تاریخی، مکانیابی دامغان از دو عامل مهم آب و راه متأثر بوده است و در مکان تقاطع این دو عامل، شهر شکل گرفته و توسعه یافته است. مأخذ: نگارندگان.

دوران پارت و ساسانی مداوماً محل استقرار بوده است. رگ حیاتی استقرارهای این دوران را اقتصاد کشاورزی تشکیل می‌داده است (کیانی، ۱۳۶۸، ۳۳۷).

چشمه‌علی علاوه بر اهمیت حیات منطقه، از حیث ارزش‌های بصری بسیار مور توجه سلاطین نیز بوده است. این آب به‌عنوان منشاء شکل‌گیری زیستگاه تمدنی دامغان از دیرباز مورد ستایش و احترام مردم بوده و مظهر اسطوره‌ها و باورهای اجتماعی است. آن‌گونه که در ادوار مختلف تاریخ جهت محافظت از آن روایات اسطوره‌ای و آیینی متعددی منسوب به آن است و حاصل آن القای وجهی نمادین و آیینی به این مکان بوده است.

تقدس‌بخشی و نمادین کردن یک مکان طبیعت‌منا، راهبردی است برای حفاظت از آن. در دامغان نیز به دلیل اهمیت آب و نقش ارزشی حیاتی آن در این منطقه، عموم روایت موجود در راستای تقدس و والا‌یی عنصر طبیعی آب است. این راهبرد محافظتی در نظریه سه‌گانه فضای ایرانی به خوبی تفسیر شده است.

طبق این نظریه، نقش آفرینی نمادها برحسب معنایی که به آنها نسبت داده شده، در ساخت فضا و تولید معماری هر تمدن، متفاوت و ویژه همان فرهنگ است. تا زمانی که نمادهای یک تمدن برای افراد آن معتبر باشد، قدرت تأثیرگذاری خود در ساخت فضا را ادامه می‌دهد. اگر چه اعتبار نمادها می‌تواند در طول تاریخ از معانی ساده و قطعی به مجموعه‌ای از معانی و مفاهیم زیباشناسانه جدید تحول یابد. به گمان محققان کتاب «سه‌گانه فضای ایرانی»، منظر ایرانی به مدد وجود سه عنصر آب، درخت و چارتاکی گونه‌ای خاص از فضا را می‌آفریند که هویت و حس واحدی را به کلیت معماری - در انواع مختلف و مربوط به دوره‌های گوناگون - می‌بخشد. حضور مستمر و دائمی این سه، در ترکیب‌های مختلف، روح فضای ایرانی را در معماری ایران رقم می‌زند. ادراک چیسستی واحد برای معماری ایرانی، تا آن زمان که مقید به حفظ سه‌گانه مذکور بود، محصول تداوم این ویژگی در ساخت و تولید فضا است. اگر چه منطق به‌کارگیری سه‌گانه منظر ایرانی در اعصار مختلف تحول پیدا کرده و از تکریم نمادها و معماری سمبلیک به نظام زیبایی‌شناسی ایرانی و تداوم حضور آنها عامل هویت‌بخش معماری ایرانی بوده است (منصوری و جوادی، ۱۳۹۷، ۱۰-۱۱).

روایات تاریخی از دامغان را می‌توان در سه حوزه جغرافیایی، سیاسی و جغرافیایی-طبیعی دسته‌بندی کرد که هر کدام بر ارزش‌های مکانی، طبیعی و اقتصادی آن تأکید دارند. در وصف جغرافیایی از منطقه، تأکید بر آبادانی، وسعت و پربر بودن آن در زمینه باغداری و کشاورزی است و نشان از زیرساخت آبی غنی دارد و رونق اقتصاد کشاورزی آن را توجیه خواهد کرد. در منابع تاریخی دوره‌های تاریخی مختلف مانند «باحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم»، «حدودالعالم من المشرق الی المغرب»، «سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی» و «تقویم البلدان» از آبادی، وسعت و اهمیت

و پاک ماند و تقدس پیدا کرد (میرشکرای، ۱۳۸۲، ۳). جانمایه باورها و اسطوره‌ها، ناشناختگی و در نتیجه رازآمیزتگی است و در طول تاریخ در شمار جلوه‌های ویژه رابطه فرهنگ و طبیعت قرار می‌گیرد. از نظر یغمایی، معمولاً برای اینکه مطالب تاریخی و جغرافیایی شیرین و جالب به نظر آید، حکایات و افسانه‌هایی که اغلب جنبه اخلاقی و یا غرابت و تعجب دارد بدان‌ها می‌افزایند تا یکنوع نشاط و هیجانی در روان خواننده ایجاد نموده، کسالت و خستگی حاصل از مطالعه مطالب خشک و بی‌روح را بزداید (یغمایی، ۱۳۲۶).

زکریای قزوینی، به نقل از «تحفه الغرائب» می‌گوید: «در حدود دامغان دهی است که او را کهن می‌گویند و بدان ده چشمه ایست که او را بادخانی گویند، چون مردم ده خواهند که باد جهد لته حریرآلوده بستانند و در آن چشمه اندازند، هوا در حرکت آید و هر که از آن آب بخورد شکمش منتفخ گردد و اگر از آن آب چیزی بگیرند چون ز آنجا مفارقت کنند سنگ شود» (قزوینی، ۱۳۹۲). حمدالله مستوفی گفته‌های زکریا را تأیید نموده (حموی، ۱۳۸۰) و این روایت در کتاب «سفرنامه ابودلف» در قرن چهارم هجری نیز نقل شده است. جالب آن که «فزونی استرآبادی» مؤلف کتاب «بحیره» به جای روایت دقیق از جغرافیای چشمه، در ایجاد هیجان مطلب مدعی است که شخصاً آن را دیده و خاصیتش را تجربه کرده است (یغمایی، ۱۳۲۶). «میرخواند» در قرن نهم هجری در «روضه الصفا» می‌نویسد که بادخان در حدود دامغان است و هنگامی که پادی عظیم حادث می‌شود نشان آن است که جسمی آلوده در آب چشمه افتاده و به این سبب طوفان شروع شده است و صحت آن را به اخبار متواتر در این خصوص نسبت می‌دهد (میرخواند، ۱۳۷۳). مؤلف «حبیب السیر» در قرن دهم تعریف بالا را درباره بادخان تأیید نموده و در صحنه‌گذشتن بر روایت خود از چشمه‌های مشابه در غزنه و چشمه‌ای دیگر به نام «عین الحجر» در دامغان نام می‌برد که آن نیز از این صفت بهره‌مند است. برای تدقیق گفته خود به روایتی مشابه از سلطان محمود غزنوی در قرن پنجم در تصرف هندوستان استناد می‌کند (خواندمیر، ۱۳۸۰). این روایت اسطوره‌ای و قدرت ماورائی آب چشمه بادخوان در دوره‌های تاریخی دیگر و در آثاری چون «تذکره هفت اقلیم» و «مآثر رحیمی» تکرار شده است. این روایات در زمان قاجار نیز در تفسیر اهل دربار مانند فرهاد میرزا معتمدالدوله (۱۲۳۳-۱۳۰۵ ه.ق) فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه و سفرنامه‌ها مانند سفرنامه جورج کرزن ادامه دارد (طاهریا، ۱۳۴۷). در این دوره، روایت از آب چشمه در دو بعد ثبت شده است. از طرفی به تأثیر از تواتر روایی عامه مردم دامغان، از وجه ماورائی چشمه به نام «بادخوان» اسم برده می‌شود. اما در روایتی دیگر که نقش عملکردی و ارزشی آن را توأمان نقل می‌کند از آن به «چشمه‌علی» اسم می‌برد و خوانشی آیینی از آن دارد. تا آنجا که در سفرنامه کرزن در روایت عجایب چشمه بادخانی که از آن به «چشمه باد» نام می‌برد، از

دامغان به‌عنوان اولین سکونتگاه در دشت دامغان با تاریخ حدود ۵۹۰۰ ساله این احتمال را قوی‌تر می‌کند که حضور این چشمه و رودخانه عامل سکونت مردمان در حاشیه کویر و علت اصلی احداث شهر صد دروازه یا دامغان فعلی بوده است (غضنفری و جوادی، ۱۳۹۵).

وجود چشمه‌علی و شعبات آن، بی‌شک در پیدایی و توسعه دامغان نقش مهمی داشته و نظام آبیاری پیشرفته آن در منابع متعددی یاد شده است.

«ابودلف» تاریخدان قرن چهارم از سد باستانی یاد می‌کند که بر روی آب رودخانه چشمه‌علی احداث شده است: «در دامغان سد عجیبی برای تقسیم آب وجود دارد که از دوره ساسانی است. آب آن از مغاره‌ای واقع در دل کوه بیرون می‌آید و پس از جریان به وسیله این سد به ۱۲۰ قسمت برای آبیاری ۱۲۰ قریه تقسیم می‌شود. مقدار آب هیچ‌یک از این جوی‌ها به نفع صاحب آن زیاد نشده و نیز ممکن نیست دو جوی به هم آمیخته شود. سد مزبور ساختمان عجیبی داشته و بهتر از آن و مانند آن در شهرهای دیگر ندیده‌ام» (مینورسکی، ۱۳۵۴، ۸۲). در قرن هفتم، یاقوت حموی این وصف آبرسانی را تأیید کرده است. آب چشمه‌علی، در حدود ۱۳۶ سهم دارد (هر سهم ۶ خروار بذرافشان دارد) که پس از مجزاشدن هشت سهم و سه ربع سهم برای مشروب‌شدن: آستانه، مزرعه باحافظ، آهوانو، مزرعه علم شیر، بقیه آب آن در آب‌بخشان، سه قسمت تقسیم می‌شود. دو بخش به طرف آبادی‌های پیرامون شهر، بخشی دیگر به جانب شهر سرازیر می‌شود (طاهریا، ۱۳۴۷). در پاره‌ای منابع تاریخی که به روایت و بررسی وجه عملکردی آب چشمه در منطقه دامغان پرداخته‌اند، به مکانی حقیقی با صفات قابل ارزیابی اشاره می‌کنند. اما در عموم این منابع که به وصف موقعیت جغرافیایی دامغان پرداخته‌اند، بیشتر تکیه بر وجه اسطوره‌ای آن دارند و نقطه اشتراک همه آنها در روایات، هدف این اسطوره‌هاست: تلاش برای حفظ نظافت آب چشمه که نقش حیاتی در این منطقه دارد. این روایات با اسامی مختلفی از جمله «بادخوان (بادخان)» در منابع متعدد ذکر شده است.

بادخوان، روایت اسطوره‌ای چشمه‌علی

«آب» مقدس است و انسان وقتی بر یک پدیده مهر تقدس می‌زند که در زندگی او نقش و حضوری کارآمد داشته باشد و آنچه مقدس می‌شود از گذر سال و ماه عبور می‌کند و پاسداری می‌شود. چنین است که باورها و اعتقادات بر پایه جهان‌بینی و نیازهای زیستی مردمان پدید می‌آیند و در هر فرهنگ و در هر سرزمین، وسیله‌ای می‌شوند برای پاک کردن و سالم نگه‌داشتن فضای زندگی اعم از فضای زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی. آب به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر طبیعی مؤثر در زندگی انسان، روزگاران دراز از این رهگذر نگهداری شد

ظاهرآ سب حضرت علی (ع) چنان سخت با سم خود بر تخته سنگ کوبیده است که اثر آن برای ابد باقی مانده است» (کرزن، ۱۳۶۹، ۳۸۱ و ۳۸۲). واقعیت تاریخی این است که حضرت علی (ع) هرگز به داخل سرزمین ایران سفر نکردند. اما در بیشتر جاهای ایران، بسیار چشمه‌ها، قدمگاه‌ها، سنگ‌ها، کوه‌ها و درختان همه با نام مقدس حضرت علی (ع) تقدس یافته‌اند و نظر کرده شده‌اند (میرشکرای، ۱۳۸۰). چشمه‌علی دامغان همانند چشمه‌های دیگری در ایران به همین نام در شهرهایی چون ری، قم، سمیرم در شهرضا، دهستان فریمان مشهد، لردگان شهرکرد و بیرجند، منسوب به حضرت علی (ع) است. آب همه این چشمه‌ها به مصرف آبیاری مزارع و تأمین آب سکونتگاهی چون شهر یا آبادی می‌رسیده است؛ و این دلالت بر نقش کارکردی و اهمیت حیاتی آب در این مناطق دارد. این انتساب اسمی به شخصیت مهم مذهبی، اشاره به فرهنگ سرزمین ایران دارد با چند هزار سال پیشینه فرهنگی، که لایه‌لایه باورها و اعتقادات و سنت بر پایه آیین‌های راستین هر دوره و زمان در همه جای آن بر هم نشسته است. بسیاری از این مکان‌ها در همه آیین‌ها مقدس بوده‌اند و پیشینه‌های بسیار کهن تر از دوره اسلامی دارند. در ایران همه آنچه که در همه زمان‌ها مقدس بوده است، در وجود چهره مقدس ائمه اطهار متجلی شده است. با توجه به ارزش حیاتی چشمه‌علی در منطقه دامغان، طبیعی به نظر می‌رسد که عنصری را که این چنین برایشان اهمیت داشته، در نظرشان از منزلت بالایی برخوردار شده و مقدس شمرند. در اطراف و در داخل دریاچه چشمه‌علی، چشمه‌های زیادی است که از آنها کم‌وبیش آب خارج می‌شود و یکی از آنها که در پای درختی کهن است و آب با فشار از آن می‌آید (غضنفری و جوادی، ۱۳۹۵، ۷۱). در روایت‌های متأخرتر که مربوط به دوره ناصری و یا اواخر قاجار است، وصف پاکي آب و تأکید بر ارزش آن را در مصادیق دیگری مانند ماهیان داخل آب و یا درختان اطراف چشمه بیان می‌کنند که وجه عینی داشته و برای مردمان آن دوره قابل درک بوده است. «اعتمادالسلطنه» در نوشته‌های خود به صراحت از وجود دو استخر بزرگ و کوچک نام می‌برد و بر اهمیت وجوه طبیعی مجموعه مانند درختان آن تأکید دارد (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۷). مصداق ارزش آب را با عدم صید ماهی‌های داخل استخر بیان می‌کند و از درختان چنار در اطراف چشمه با لفظ «چشمه مقدس» نام برده است (تصویر ۲).

وقتی مردم از یک محیط ساخته‌شده احساسی فراتر از یک کالبد دارند، به این مکان معنا می‌بخشند. این ارتباط معنایی بسته به ترجیحات و تجربیات اجتماعی می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. معنا، یک کلمه آشنا به دلیل استفاده رایج در زندگی روزمره ما است. با این حال، مفهوم بسیار عمیق‌تری از تعریف لغوی آن است. این وجه معنایی چشمه در سال‌های اخیر برای مردم ادراکی آیینی داشته و مراسم مذهبی خاص به ویژه در ایام محرم در اطراف آن انجام می‌شده است (جدول ۱).

مکان چشمه‌علی به‌عنوان مکان مقدس و به روایتی «معجزه‌گاه» یاد کرده است (کرزن، ۱۳۶۹). کرزن خود از چشمه بادخوانی دیدار نداشته و تنها به اتکای نقل قول‌های تاریخی و اجتماعی از آن نام می‌برد و با قیاس نمونه عینی و حقیقی چشمه که «چشمه‌علی» است سعی در تفسیر اهمیت آن دارد. در تفسیر مکانی به نام چشمه‌علی در دامغان، روایت‌های متعددی وجود دارد. اما از آنجا که این نام مربوط به دوره اسلام به بعد است، در خوانش مکان آن در دوره‌های قبل از اسلام و حتی در خوانش آن در فرهنگ اجتماعی دوره اسلامی با نام‌های دیگری مانند «چشمه بادخوان»، «چشمه باد»، «استی بوئت»، روایاتی از آن بر جای مانده است. نکته قابل تأمل آن که، عموم روایات اسطوره‌ای و فرهنگی این چشمه در راستای حفاظت و پاک نگه‌داشتن آن در طول تاریخ است و در این روایات به وجه عملکردی و کالبدی آن کمترین اشاره‌ای نمی‌شود.

با مرور اسناد، این گونه استنباط می‌شود که مکانی به نام چشمه «بادخوان» یا به قول برخی منابع چشمه‌ای به نام «چشمه باد» در بالادست چشمه‌علی، وجود خارجی ندارد. طبق موقعیت جغرافیایی و نقش و اهمیت حیاتی چشمه در این سرزمین، همه این روایات تعبیر مختلفی از خوانش اهمیت چشمه در مکان فعلی آن است. در حقیقت مکان چشمه بادخانی در روایات، مکانی تمثیل‌گونه و سوری است. در روایات تاریخی مختلف در خصوص مکان این چشمه اتفاق نظر وجود ندارد. آنچنان که مکان آن را در قریه‌های مختلفی به نام‌های «کهن»، «جمالین» و «غنجان» و یا در «تپه‌ای بالای چشمه‌علی» نقل می‌کنند، و این دلالت بر عدم وجود مکانی حقیقی به نام چشمه بادخانی (بادخوانی) است. منطقه دامغان در معرض وزش بادهای همیشگی با سرعت و شدت زیادی است و بدین جهت اغلب هوای آن غبارآلود و پر از گردوغبار است. بی‌شک همین آشفتگی دائمی هوا، افسانه چشمه بادخان را پدیدآورده است؛ که این گونه از چشمه اصلی و حیات‌بخش این منطقه (چشمه‌علی) محافظت کنند. از آنجا که در دنیای حقیقی روایاتی افسانه‌ای از این دست به چشم دیده نمی‌شود، آن را در قالب چشمه‌های مهم به نام بادخوان تفسیر کرده‌اند که همه ویژگی‌ها و نقش حیاتی آن با چشمه‌علی انطباق کارکردی و معنایی دارد. آن گونه که در سال‌های اخیر روایات افسانه‌ای، جای خود را به روایاتی اسطوره‌ای-آیینی داده‌اند و نقش حمایتی از این آب تغییر «روایاتی» یافته نه «معنایی».

نشانه‌های تقدس در چشمه‌علی

«کرزن» در روایت خود از دامغان به اهمیت وجه کارکردی و معنایی چشمه‌علی که منسوب به حضرت علی (ع) است اشاره می‌کند: «از وسط شهر (دامغان) نه‌ری جاری است که از چشمه‌ای از کوهستان به نام چشمه‌علی جریان دارد در آنجا اقامتگاه تابستانی شاه و همچنین محلی زیارتگاهی است؛ یعنی یکی از نقاطی که

در وقت جنگ با اردوان اشکانی، مدتی در آنجا اردو زده‌اند. از نظر مورخان یونانی چون «دیودر» در خصوص چشمه‌علی: «اسکندر چند روز در دامغان ماند و پس از آن به سمت هیرگانی (گرگان) حرکت کرد. اولین منزل او پس از طی چهار فرسخ راه در دامن G کوهی در دهنه‌ای اتفاق افتاده بود که رودخانه‌ای معتبر موسوم به «استی بوئت» در این دره جریان داشت که ابتدا از چشمه بیرون می‌آمد. تقریباً مسافتی به خط مستقیم جریان داشت بعد به کوه کوچکی برخورد از آنجا تغییر در جریان آن به هم می‌رسید و از در G تنگی عبور کرده، بعد از اینکه از دره خارج و به جلگه داخل می‌شد صحرای هکاتم پیلس را مشروب می‌ساخت» (کشاورز دامغانی، ۱۳۷۰، ۳۰). «پولیپ» مورخ دیگر یونانی می‌نویسد در سال ۲۰۶ قبل از میلاد «انتیوکوس (آنتیوخوس)» سوم از سلاطین «سلوکوس» وقتی از عقب «ارتبان»، «اردوان» اول پادشاه اشکانی به طرف مازندران می‌رفت چندی در هکاتم پیلس (قومس) توقف کرد. بعد در دامنه کوه «لبوتا» که اول منزل او به جانب مازندران بود رسید و کنار چشمه «استی بوئت» که از کوه «لبوتا» بیرون می‌آمد دومین منزل او شد و از آنجا به «سیرنگس» (ساری) رفت و اردوان را شکست داد. اطلاق لغت «لبوتا» به کوه شمالی دامغان و «استی بوئت» به چشمه‌علی تحریف شده اسمی است که در آن زمان به این سلسله کوه و این چشمه می‌شده و یا اساساً لغتی یونانی است (رنجبر، ۱۳۷۷، ۶۹).

تا قبل از دوره صفویه بنایی در چشمه‌علی احداث نشده و اردوگاه‌ها به صورت موقتی در این مکان دایر می‌شده‌اند. می‌توان یکی از دلایل مهم این امر را جنگ‌ها و ناآرامی‌های سیاسی منطقه دانست. طبق منابع تاریخی، روایت‌های مختلفی از جنگ‌های منطقه دامغان در منابع متعددی در سال‌های قبل اسلام (کشته‌شدن داریوش سوم)، اوایل اسلام (حمله لشکران اسلام به قومس) و سال‌های ۳۱۶، ۳۲۰، ۵۸۱، ۶۴۲، ۶۹۰، ۷۳۶، ۷۶۹، ۹۱۶، ۱۰۷۷، ۱۱۰۰، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲ (در زمان نادرشاه افشار) نام برده شده است (تصویر ۳). تاریخ‌های مذکور گواه بر استراتژیک بودن منطقه و مرکز بروز ناملایمتهای سیاسی بوده است. آخرین و مهمترین تاریخ این جنگ‌ها در دوره نادرشاه افشار بوده و به احتمال به یقین از دوره صفوی آرامش و امنیت بر این منطقه حاکم شده است. آن‌گونه که فرمانروایان مجالی برای ساخت مکانی تفرجی در محوطه چشمه‌علی یافته‌اند.

از دوره صفوی که محدوده چشمه‌علی به مالکیت رسمی پادشاهان درآمد و ساخت و سازهایی در آن صورت گرفت، این مجموعه در دو بخش معنا یافت و این امر در دوره قاجار قوت گرفت. بخشی تفرجی که در اختیار شاهان بود و در جانب جنوبی چشمه قرار دارد و بخشی آیینی که مفهومی عمومی داشت و جایگاهی حکومتی-اجتماعی می‌یافت و در جانب شمالی چشمه در اطراف مظهر آن است. در این دوره با تغییرات سطح آگاهی اجتماع و توسعه شهرها، نگاه اجتماع به مفاهیم از بُعدی اسطوره‌ای و افسانه‌ای به بُعدی

در نزدیکی چشمه‌علی و جانب شرقی آن روستای «آستانه» یا «آستانه چشمه‌علی» قرار دارد. راه ارتباطی روستای آستانه با چشمه‌علی «گذر صلواتی» نام دارد که وجه تسمیه آن باور اهالی روستا به تقدس چشمه‌علی است (غضنفری، ۱۳۸۶). مردم روستا شب عاشورا با پای پیاده مسیر سه کیلومتر را با نوحه‌خوانی و سینه‌زنی تا چشمه‌علی طی نموده و تا نزدیکی اذان ظهر در آنجا به عزاداری می‌پراخته‌اند. همچنین در شامگاه عاشورا در اطراف چشمه حلقه زده و شمع روشن می‌کرده‌اند و این آیین امروزه نیز برقرار است. در مراسم آیینی مختلف در ایام محرم، آیین قربانی کردن نیز در کنار چشمه برگزار می‌شده است. سنت قربانی کردن گوسفند در مناسبت‌های مختلف توسط مردم انجام و گوشت آن بین مردم به ویژه مستمندان، به صورت نذری توزیع می‌شده است. از گذشته‌های دور، سنگی در زیر درخت چنار کهنسال کنار چشمه، قرار داشته که مردم از آن به‌عنوان جای پای اسب حضرت علی (ع) یاد می‌کنند و به‌عنوان عنصری قدسی، زیارت می‌شده است. در مراسم محرم، از آب چشمه روی سنگ می‌ریزند و علم‌های عزاداری دسته‌های سینه‌زنی را در کنار این سنگ قرار می‌دهند. دور این سنگ و زیر درخت شمع روشن می‌کنند و به ریشه درخت در پای چشمه دخیل می‌بندند. قدیمی‌ها اعتقادات بسیار محکمی در خصوص تقدس چشمه‌علی داشته‌اند. از آن جمله شناکردن در بخش شمالی دریاچه را خوب نمی‌دانسته‌اند و معتقد بوده‌اند ماهیگیری در این قسمت موجب بروز اتفاقات بد خواهد شد و در گذشته این امر بسیار مراعات می‌شده است (طاهرزاد، ۱۴۰۱).

ارزش‌های بصری و کالبدی مکان چشمه‌علی دامغان به روایت تاریخ

چشمه‌علی محلی است بسیار باصفا که از قدیمی‌ترین زمان در هنگام لشکرکشی سلاطین و فرمانروایان محل اجتماع اردو بوده است. چنانکه اسکندر هنگام عزیمت از دامغان به گرگان و آنتیوکوس



تصویر ۲. دخیل‌بستن به ریشه درخت پای چشمه و برداشتن از آب آن به نشانه تبرک، گواهی بر اهمیت تاریخی و آیینی این مکان از گذشته تا به امروز است. مأخذ: آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۸۵.

جدول ۱. نقش معنایی چشمه‌علی دامغان در طول تاریخ بر اساس منابع تاریخی؛ از هزاره سوم قبل از میلاد تا دوره قاجار. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	مؤلف	کتاب	سال (ه.ق.)	نام چشمه	نقش معنایی
۱	آنتیوخوس سوم	دوره سلوکی	قرن سوم پیش از میلاد	استی بوئت	مکان تفرجی-اقامتگاهی
۲	ابودلف	سفرنامه ابودلف	قرن ۴		
۳	سلطان محمود غزنوی	مندرج در «حبیب السیر»	قرن ۵		
۴	محمدبن ایوب طبری	تحفه الغرائب	قرن ۵		
۵	زکزیای قزوینی	عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات	قرن ۷		
۶	حمدالله مستوفی	نزه القلوب	قرن ۸		
۷	میرخواند	روضه الصفا	قرن ۹	بادخان	اسطوره- قدرت ماورائی
۸	غیاث‌الدین خواندمیر	حبیب السیر	قرن ۱۰		
۹	امین احمد رازی	تذکره هفت اقلیم	قرن ۱۱		
۱۰	عبدالباقی نهبوندی	مأثر رحیمی	قرن ۱۱		
۱۱	فرهاد میرزا معتمدالدوله	جغرافیای تاریخی دامغان	قرن ۱۳		
۱۲	جورج کرزن	ایران و قضیه ایران	قرن ۱۳	چشمه باد / چشمه‌علی	اسطوره‌ای / آیینی

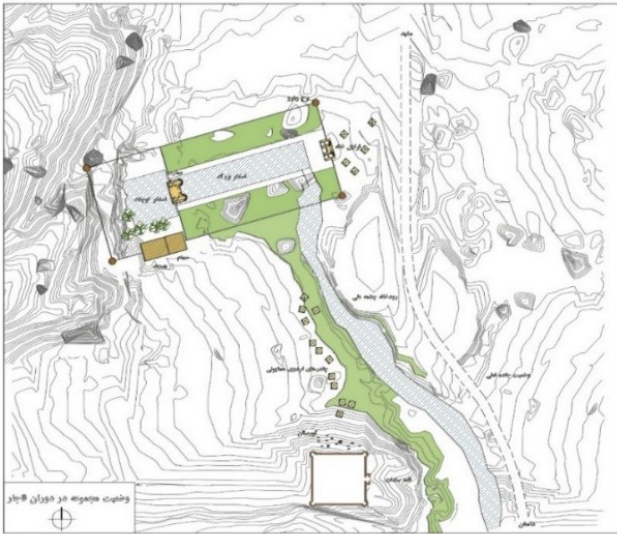


تصویر ۳. موقعیت مکانی چشمه‌علی و تغییرات آن در دوره صفویه. در این دوره در منشاء آب چشمه استخری ساخته و در قسمت جنوبی آن نیز عمارت و استخری بزرگتر احداث می‌شود. مأخذ: غضنفری، ۱۳۸۶.

چشمه‌علی را خوانش می‌کنند، می‌تواند ارتباطی همسو با مفاهیم باشد. در اغلب سفرنامه‌ها و منابع تاریخی که عموماً به دوره قاجار بازمی‌گردند، به وجه تفرجی باغ پرداخته‌شده و مصداق آنها استخر بزرگ جانب جنوبی مجموعه و آرایش منظم درختان بید و صنوبر است. این در حالی است که نمود ادراکی مردم نسبت به مجموعه در رفتارها و آیین‌هایی بروز می‌کند که در بخش شمالی باغ و در اطراف چشمه‌علی

آیینی تغییر نقش داد. به این معنا که پاره‌ای از قدرت ماورائی آب چشمه را با نسبت‌دادن به ائمه اطهار، ارزشی نمادین و آیینی دادند و این‌گونه از آن در مقابل تغییرات مکانی و توسعه شهرها، حمایت کردند. بیشترین توجه سلاطین و تغییرات اعمال‌شده در چشمه‌علی در دوره قاجار صورت می‌گیرد و در این دوره این مکان به صورت رسمی در تملک پادشاهان قاجار بوده است و به این واسطه تغییراتی در مکان داده‌اند. از جمله ساخت بناهای خدماتی چون حمام و مسجد در قسمت شمالی چشمه، ساخت دو عمارت و بنایی قلعه‌مانند در قسمت غربی مجموعه بر فراز تپه، ایجاد حصار دور باغ و باغ چشمه‌علی نیز محصولی از دوره قاجار است. ناصرالدین شاه در «سفرنامه خراسان» خود از بناهای دوره فتح‌علی شاهی و زیبایی باغ یاد کرده است و در وصف فضای باصفای باغ، اشاره‌ای به استخر بزرگ در قسمت جنوبی چشمه است (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱). اعتمادالسلطنه در نوشته‌های خود به صراحت از وجود دو استخر بزرگ و کوچک و بناهای خدماتی مسجد و حمام نام می‌برد و بر اهمیت وجوه طبیعی مجموعه مانند درختان چنار چند صدساله آن تأکید دارد (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۷). در پاره‌ای از روایات دوره قاجار علاوه بر وصف کالبدی و ارزش‌های بصری مجموعه، به وجوه اسطوره‌ای و اهمیت آیینی آب در این مکان اشاراتی شده است.

تجمیع معنادار عناصر معماری در مجموعه چشمه‌علی و ارتباط آنها در بیان ارزش‌های معنایی عناصر طبیعی که مفهوم



تصویر ۴. تغییرات و توسعه مستحقات چشمه‌علی دامغان در دوره قاجار. مأخذ: غضنفری، ۱۳۸۶.

هویت حقیقی چشمه‌علی صورت می‌گرفت، اقدامات بر مبنای الگوهای معنایی برنامه‌ریزی و اجرا و در این فرایند با تکیه بر معانی حقیقی، مفهومی قدسی آن باز نمود می‌شد. در این مجموعه کنار هم قرار گرفتن دو عنصر تفرجگاه و مسجد و مکانیابی آنها در مکانی که کلیت آن را تفرجگاه تعریف می‌کنند، جای تأمل است. مسجد به‌عنوان اندامی مذهبی در کنار دو عنصر مقدس آب و درخت ساخته می‌شود و مردم بخشی از قدسیت مجموعه را به بنای مسجد نسبت می‌دهند. بنایی که نسبت به تقدس عناصر طبیعی کنار آن، قدمتی به مراتب کمتر دارد و بنایی نوظهور به شمار می‌آمده است. تا آنجا که تخریب مسجد در سال‌های اخیر اعتراضاتی را از سوی مردم و گروه‌های مذهبی به دنبال داشته است. در حالی که نهادهای میراثی و تاریخی حمایتی از این ماجرا نداشته‌اند. نکته مهم آنکه با توجه به وجود عناصر آیینی و خوانش آن در مفهوم سه‌گانه فضای ایرانی، وجود مکانی قدسی مانند آتشگاه از دوره باستان در این مکان دور از انتظار نیست و قدمت مسجدیت مسجد را اثبات می‌کند. اما در اقدامات مرمت این مکان، بنای مسجد را به حکم جدید بودن بنا تخریب کرده‌اند (تصویر ۵). این اقدام محصول نگاهی میراثی که صرفاً به کالبد بنا توجه دارد و نه به هویت آن. دلیل آن را می‌توان در روایت‌های تاریخی و نگاهی که امروزه به چشمه‌علی وجود دارد بررسی کرد. نهادهای میراثی در خوانش اهمیت مکان چشمه‌علی به روایت‌های سطحی از سفرنامه‌ها و منابع تاریخی دوره قاجار اتکا دارند که عموماً تنها به بخش جنوبی مجموعه پرداخته‌اند که همان باغ چشمه‌علی است. با توجه به قدمت باغ و بناهای ساخته‌شده در آن، ملاک اهمیت را ابنیه معماری و حصار قاجاری آن به‌عنوان مصادیق کالبدی قرار داده‌اند. در این مینا آنچه از مراسم و آرایش فضایی و روایات تاریخی که خارج از قاعده منظم باغ قاجاری مجموعه است،

و درختان چنار کهنسال متمرکز است. باغ در این مجموعه، خود پدیده‌ای نوظهور مربوط به دوره قاجار است و آنچه از باغ چشمه‌علی روایت شده است در حقیقت اشاره به بخش جدید آن دارد که پادشاهان قاجار با هدف تفرجگاه ساخته‌اند. فتحعلی شاه قاجار در دل تفرجگاهی باصفا، مسجدی در بخش شمالی دریاچه می‌سازد و از نگاه مردم و زائران، در کنار وجه قدسی آب و درختان کهنسال چنار، به عنصر سوم و مکمل قدسی در مجموعه آیینی چشمه‌علی تبدیل شد (تصویر ۴).

بنابراین دوبخشی‌بودن مجموعه به دو قسمت تفرجی و آیینی، ماهیتی معنادار در خوانش هویت آن است. در هویت بخش شمالی، عنصر غالب معنایی را عناصر طبیعی درخت و آب تشکیل داده‌اند. در این آرایش فضایی، مراسم و آیین‌های مختلفی در طول سال در بستر فرهنگی این سرزمین صورت می‌گیرد. این آیین‌ها در طول تاریخ به باورها و اعتقادات مردم تبدیل شده و بر اساس نمادپردازی‌های مختلف، از آن پاسداری کرده و وجه معنایی چشمه‌علی را خوانش می‌کنند. در بخش جنوبی، ابنیه معماری از عناصر غالب باغ هستند که تأکید آنها بر «ماهیت» مکان است تا هویت آن. در این بخش، وجه تفرجی در فضایی باصفا، عامل اصلی خوانش آن است. بر اساس آنکه این ابنیه فاقد فعالیت و کارکرد خاصی هستند، وجه میراثی یافته و عامل‌هایی خنثی در هویت بخشی و معنادهی به مجموعه در حیات امروز آن هستند.

آسیب‌های معنایی در مکان چشمه‌علی

ادراک در مکان در گام اول با ماهیت آن صورت می‌گیرد. سپس با توجه به الگوهای رفتاری و نشانه‌ای در مکان، مراحل معنابخشی به آن از نگاه مخاطب آغاز می‌شود. برای محقق شدن این ادراک، نیاز به نصب تابلو و راهنمای تفرجی نیست؛ بلکه با مدیریت و حفظ درست نشانه‌ها می‌توان ساختاری مفهومی از مکان را معرفی کرد که ماهیت را با هویت در یک دامنه معنایی قرار دهد. بنابراین ما با نسبت‌دادن معنا به آنچه که از فضا می‌بینیم و درک می‌کنیم، محیط خود را معنا و تمایلات و ترجیحات شخصی خود را به این فرایند اضافه می‌کنیم. در سال‌های اخیر اقداماتی مرمتی در راستای بهسازی و نوسازی مجموعه چشمه‌علی صورت گرفته است. بر اساس آنچه در منابع تاریخی دوره قاجار وجود دارد، تأکید این منابع بیشتر بر وجه تفرجی مکان چشمه‌علی است. اما با توجه به دوبخشی‌بودن باغ و تفاوت معنایی در این دوبخش، می‌توان استنباط کرد که روایت‌ها بر بخش جنوبی باغ متمرکز است نه بخشی شمالی و قدسی آن. آنچه از تغییرات و اقدامات بهسازی مکان صورت گرفته با تکیه بر وجه تفرجی باغ بوده و حاصل آن القای «معنایی تجویزی» برای ادراک این مکان است که رفتاری جز تفرج را باز نمود نخواهد کرد. اگر این مداخلات با توجه به مفاهیم و



تصویر ۵. تخریب مسجد دوره فتحعلی شاهی چشمه‌علی دامغان با تأیید میراث فرهنگی صورت گرفته و با اعتراض زیاد مردم و نهادهای مذهبی روبرو شده است. مأخذ: آرشیو اسنادی محمدتقی طاهرزاد.

در تحولات آیینی و خوانش مفاهیم قدسی در مکان‌های مختلف ایران، ممکن است بحران ساختار اجتماعی یا تحولات کارکردی عناصر طبیعی را، عامل بحران هویت فضاهای آیینی طبیعت‌مبنا بدانیم که ممکن است آنها را به آنچه «نامکان» می‌گویند، سوق دهد. ویژگی‌های اجتماعی، کارکردهای محیطی، اثرات فرهنگی و محیط فیزیکی، عوامل اصلی تأثیرگذار بر ادراک اجتماع از چشمه‌علی هستند که به یک مکان خاص وجه قدسی می‌دهند یا وجه کارکردی و تفرجی. علی‌رغم مرکزیت مفهوم معنا در مکان چشمه‌علی براساس منابع تاریخی و انتساب به حضرت علی (ع) و نشانه‌های آیینی در آن، درک کامل این مفهوم آسان نیست. زیرا امروزه از یک مفهوم به یک اصطلاح انتزاعی جهش یافته و اقدامات صورت گرفته در آن وجه انتزاعی بودن مکان را تقویت کرده است.

تقدیر و تشکر

در بررسی آیین‌ها و اعتقادات مردمی در دوره حاضر نسبت به چشمه‌علی دامغان و همچنین اسنادی در خصوص واکنش مردمی به تخریب مسجد این مجموعه، همکاری و مطالب جناب آقای «محمدتقی طاهرزاد» از متولیان چشمه‌علی، در مسیر تحلیل و بررسی نقش آیینی چشمه‌علی در این مقاله، بسیار کمک‌کننده بود. از ایشان سپاسگزاریم.

نادیده انگاشته شده و هویت آن با ماهیتی تفرجی جایگزین شده است. تا بدان جا که علی‌رغم وجود نمادها و نشانه‌های آیینی و مذهبی این مجموعه در ایام مختلف سال، تنها وجه تفرجی نیمه جنوبی آن ملاک رفتاری و خوانش مکان قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

فرایند شکل‌گیری معنا و اهمیت آن برای روابط محیطی انسان و فضا از جنبه‌های اساسی در تعریف مکان و ایجاد منظر سه‌گانه فضای ایرانی است. اصولاً در ادیان گذشته طبیعت در نزد اقوام پیشین جایگاه والایی داشته است. با نگاهی عمیق‌تر به فرهنگ و نوع زندگی پیشینیان درمی‌یابیم که نوع نگرش انسان پیش از مدرن نسبت به طبیعت، نگرشی دینی بوده و انسان آن عصر نوع رابطه خود را با جهان پیرامون و نسبت برقراری این رابطه را، دین قرار داده است. بی‌واسطه بودن رابطه بین عناصر طبیعی و ارزش معنایی آنها که توسط اجتماع در طول تاریخ در نقش ارزش‌های کارکردی، نمادین و آیینی متبلور شده است، کیفیت‌های مکان و نوع عناصر معنادهنده به آن را در دو دسته نشانه‌های عینی و نشانه‌های معنایی تعریف می‌کند. این نظام معنادار در فرهنگ ایرانی به نام سه‌گانه فضای ایرانی شناخته می‌شود. نظامی که نسبت قدسیت با حفاظت از عناصر طبیعی را خوانش می‌کند و در طول تاریخ از طبیعت در مقابل تحولات پاسداری کرده است.

اشکال مفهومی چشمه‌علی، به‌عنوان منظر سه‌گانه در منطقه دامغان، در نقش رسانه بیان ارزش معنا با عواملی چون رویدادها، آیین‌ها، رفتارهای اجتماعی و آرایش فضایی، عمل می‌کند و حدود ارزشی و معنایی در مکان را تعیین خواهد کرد. بیان این نکته ضروری است که معنای مورد بحث در چشمه‌علی دامغان به تولید اجتماعی-فضایی معنا اشاره دارد که توسط افراد به‌عنوان یک نتیجه طبیعی از تعامل متقابل با محیط ساخته شده آنها به‌وجود آمده است. در تاریخ کهن مکان چشمه‌علی، نشانه‌های عینی از چشمه، بر نقش تفرجگاهی و اقامتگاهی موقت سلاطین اشاره دارد و وجه معنایی آن در مقیاسی بزرگتر در بستر اجتماعی-فرهنگی به صورت افسانه و اسطوره به نام مکانی ماوراءالطبیعی معرفی شده است. عموم منابع تاریخی در سه بخش «توجه به وجه عملکردی و حیات‌بخشی چشمه»، «وجه اسطوره‌ای آن» و «وجه آیینی آب چشمه» به ذکر مطلب پرداخته‌اند. اما در هر سه روایت تاریخی، تأکید بر اهمیت و ارزش حیاتی آن در این منطقه دارد و هدف غایی آنها حفظ پاکیزگی این منبع حیات است. تقدس آب و استمرار صورت‌های معنوی فرهنگ آب با ماندگاری مظاهر مادی؛ و صورت‌های سنتی در قانون‌های اجتماعی آن در کاربری‌های مختلف، به نحو چشمگیری در جامعه سنتی سرزمین دامغان همسویی و هماهنگی دارد.

فهرست منابع

- کرز، جرج ناتانیل. (۱۳۶۹). *ایران و قضیه ایران* (ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی). ج. ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کشاورز دامغانی، علی اصغر. (۱۳۷۰). *تاریخ و جغرافیای دامغان*. تهران: هیرمند.
- کیانی، یوسف. (۱۳۶۸). *شهرهای ایران*. تهران: چاپخانه ارشاد اسلامی.
- لسترینج، گای. (۱۳۹۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* (ترجمه محمود عرفان). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمد بن خاوندشاه بلخی (میرخوانده). (۱۳۷۳). *روضه الصفا* (تلخیص دکتر عباس زریاب). تهران: علمی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر حمدالله. (۱۳۸۹). *نزه القلوب*. تهران: اساطیر.
- طاهر نژاد، محمد تقی. (۱۴۰۱/۰۳/۱۲). *مصاحبه شخصی*.
- مقدسی، ابو عبد الله محمد. (۱۳۸۵). *باحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* (ترجمه علینقی منزوی). تهران: کومش.
- حموی، یاقوت بن عبد الله. (۱۳۸۰). *معجم البلدان* (ترجمه علینقی منزوی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولید فرهنگی.
- منصوری، سید امیر و جوادی، شهره. (۱۳۹۷). *سه گانه منظر ایرانی*. تهران: انتشارات پژوهشکده نظر.
- میرشکرایی، محمد. (۱۳۸۰). *علی (ع) در فرهنگ مردم ایران*. کتاب ماه هنر، (۳۱ و ۳۲).
- میرشکرایی، محمد. (۱۳۸۲). *فرهنگ و آب*. کتاب ماه هنر، (۵۷ و ۵۸)، ۳.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران* (۳۴۱ هـ. ق) (ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی). تهران: انتشارات زوار.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۶۱). *سفرنامه خراسان*. تهران: انتشارات بابک.
- نهاوندی، عبدالباقی. (۱۳۸۱). *مآثر رحیمی (به اهتمام عبدالحسین نوایی)*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۲۶). *جغرافیای تاریخی دامغان*. تهران: چاپخانه آفتاب.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Tuan, Y. (2001). *Space and Place: The Perspective of Experience*. London: University of Minnesota Press, Minneapolis.
- اسماعیل بن علی ابوالفداء. (۱۳۹۲). *تقویم البلدان* (ترجمه عبدالعلی بن محمد بیرجندی). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جعفرپور و همکاران. (۱۳۶۸). *بناها و شهرهای دامغان*. تهران: نشر فضا.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۸۰). *حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر* (به کوشش محمد دبیرسیاقی). تهران: خیام.
- رنجبر، محمد. (۱۳۷۷). *درنگی به حرمت آب (از دیروز تا امروز)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری). دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
- صنیع‌الدوله، محمد حسن بن علی اعتماد السلطنه. (۱۳۶۷). *مرآه البلدان* (به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث). ج. ۴. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طاهرها، محمدعلی. (۱۳۴۶). *جغرافیای تاریخی دامغان شش‌هزار ساله*. مشهد: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۲). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، (ترجمه ابوالقاسم پاینده). تهران: اساطیر.
- طبری، محمد بن ایوب. (۱۳۹۱). *تحفه الغرائب*. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- غضنفری، سیده پروانه. (۱۳۸۶). *طراحی منظر مجموعه چشمه‌علی دامغان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری منظر)، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
- غضنفری، سیده پروانه و جوادی، شهره. (۱۳۹۵). *چشمه‌علی دامغان و علل تقدس آن*. *باغ نظر*، ۱۳(۴۲)، ۵۷-۶۶.
- قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۴۰). *سفرنامه ناصر خسرو علوی قبادیانی*. برلین: چاپخانه کاویانی.
- قزوینی، زکریا بن محمد. (۱۳۹۲). *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات* (به کوشش یوسف بیگ‌باباپور و مسعود غلامیه). تهران: مجمع ذخائر اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
منصوری، سید امیر و مخلص، فرنوش. (۱۴۰۱). نقش اسطوره‌ای-کارکردی چشمه‌علی دامغان در طول تاریخ. *گردشگری فرهنگ*، ۲(۹)، ۶۴-۵۵.

DOI: 10.22034/TOC.2022.353111.1090

URL: http://www.toc-sj.com/article_154202.html

